

## در دفاع از سوسیالیسم (۴) اتحاد نیاز جنبش دموکراتیک و طبقاتی ایران

### جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

• ما معتقدیم چپ موظف به تلفیق مبارزات دموکراتیک و مبارزات طبقاتی است. کم بهاء دادن به هریک از آنها انحراف از سوسیالیسم علمی و در خدمت اردوی سرمایه است. بر همین اساس به اتحاد دموکراتیک حول دموکراسی، حقوق بشر و جمهوری خواهی با رویکردی عدالت خواه و در عین حال سکولار باور داریم ...

اخبار روز: [www.iran-chabar.de](http://www.iran-chabar.de)  
پنجشنبه ۵ بهمن ۱۳۸۵ - ۲۵ ژانویه ۲۰۰۷

واژه اتحاد رایج ترین اصطلاح در بین فعالین سیاسی اپوزیسیون ایران است. واژگانی مانند اتحاد، ائتلاف، جبهه متحد و همکاری های موردی علیرغم آنکه به کرات استفاده می گردد. متأسفانه به همان نسبت هم کمتر به کار گرفته می شود. وقتی نیروهای اپوزیسیون در مورد اتحاد و همکاری داد سخن سر می دهند، چنان دچار سرگیجه می شوی، انگار که نه خود اینان اند که هنوز گامی عملی در این راستا برداشته اند. درمی مانی که با این همه مشتاقان همکاری و فعالیت مشترک، چرا تاکنون هیچ گونه جبهه و ائتلاف و اتحاد سیاسی را در بین این نیروها شاهد نبوده ایم؟ آیا عامل استبداد و نیروی خارجی را در این امر تعیین کننده می دانیم؟ خود ما و این همه نیروهای متنوع، نقشی در این تشنت و نابسامانی نداریم؟ حداقل از لحاظ نظری می دانیم که چنین نیست. و همی ما به درجاتی مقصریم. این امر نیازمند بازنگری اساسی در باورها و رفتارهای مان در خصوص روابط متقابل احزاب، احزاب با اعضای خود و فعالین سیاسی با توده های مردم است. برای دست یابی به جبهه ای واحد لازم است، اهداف اتحاد و سیاست های اجرایی اهداف فوق با خرد جمعی مجدداً تعریف گردند. نمی توان بدون درک واقعیت های تاریخی وارد عرصه ای شد، که احتمال حصول نتایج منفی آن بمراتب بیشتر از نتایج مثبت اش می باشد. نهایتاً مشاهده می شود علیرغم رشد روحیه ی وحدت طلبی، متأسفانه فرهنگ تشنت و انزوا طلبی قوی تر عمل می کند.

### ضرورت اتحاد

صرف به کارگیری مداوم واژه ی اتحاد توسط احزاب و سازمان های سیاسی اپوزیسیون و فعالین سیاسی، صدور قطعنامه و فراخوان و تدوین پلتفرم های متعدد در رابطه با امر اتحاد و همکاری نیروهای سیاسی، خود حاکی از عینیت این نیاز است. از لحاظ نظری اکثریت قریب به اتفاق این جریانات سیاسی نیاز جنبش دموکراتیک و جنبش طبقاتی میهن مان را به مسئله اتحاد و یکپارچگی، نیروها در عرصه های مختلف باور نموده اند. آنها یقین دارند که به تنهایی قادر به تأمین اهداف مورد نظرشان نیستند.

متناسب با برنامه ای که ارائه می شود، و هدفی که تعریف می گردد، راه کارهایی هم برای آنها طرح می شود. هر برنامه ای سوای بیان آماج ها و اهداف اش، روش های دست یابی و متحدین خود را هم صراحتاً یا تلویحاً مشخص

می‌سازد. حتی اگر تدوین‌کنندگان آن برنامه بخواهند از این مسئله طفره روند. برنامه ارائه شده خود، نیروهایی را که پتانسیل لازم برای فعالیت در راستای تحقق چنین امری را دارند، مشخص خواهد ساخت.

اتحاد می‌تواند در اشکال و ابعاد مختلف طرح و بکار گرفته شود. اتحاد می‌تواند همکاری و یا همراهی حول مسائل موردی مانند دفاع از آزادی زندانیان سیاسی باشد. یا ائتلافی باشد استراتژیک حول مسائل دمکراتیک، از قبیل نفی جمهوری اسلامی، مبارزه در راه دمکراسی، حقوق بشر و جمهوری خواهی. در ابعادی تنگ‌تر از اتحاد دمکراتیک، می‌توان اتحاد چپ را حول مبارزات طبقاتی شکل داد. اتحاد چپ علاوه بر خواست‌های دمکراتیک و مبارزه برای دمکراسی و حقوق بشر، بایستی تأمین عدالت اجتماعی و گذر از سرمایه‌داری به نظام سوسیالیستی را در رأس آماج‌های خود قرار دهد. و علیرغم تفاوت‌های نظری دفاع از منافع طبقه کارگر گرانگه برنامه‌های این طیف می‌باشد. عالی‌ترین شکل اتحاد، اتحاد حزبی است. اتحادی با پیوندهای مستحکم‌تر، برنامه‌های گسترده‌تر، جهت‌گیری‌های مشخص‌تر و دامنه‌های متفاوت‌تر، نسبت به اتحاد جبهه‌ای. داشتن اساسنامه و برنامه و پیش‌بینی راه‌کارهای دست‌یابی به اهداف برنامه از مشخصه‌های حزبی است.

هیچکدام از این اشکال اتحاد، نمی‌تواند جایگزین و آلترناتیو دیگری شود. وجود هر یک نافی دیگری نیست. و حضور در یکی از این اتحادها مغایرت و منافاتی با حضور در اتحادی دیگر ندارد. هر چند که می‌توان برای حضور خود در این جمع‌ها اولویتی قایل شد. ولی به واسطه این تعیین اولویت‌ها نمی‌توان، اشکال دیگر همکاری را تعطیل نمود.

### همکاری‌های موردی

همانطوریکه گفته شد این شکل اتحاد دارای دامنه و ابعاد گسترده‌تری نسبت به اشکال دیگر می‌باشد. به اقتضای این گسترده‌گی، خواست‌های آن هم محدودتر و مشخص‌تر است. دفاع از آزادی زندانیان سیاسی، رفع تبعیض جنسی علیه زنان، مخالفت با جنگ، نفی ولایت فقیه و موارد مشابه، هرکدام می‌تواند موضوعی برای ایجاد جنبش توده‌ای و وسیع باشد. نمی‌توان کسی را از حضور در این پیکار مشترک بازداشت. همراهی با تمامی جریان‌های معتقد به دمکراسی و حقوق بشر در این چارچوب امری لازم است. البته نسبت این همکاری و همراهی متناسب با شخصیت سیاسی آن جریان متفاوت و اشکال مختلفی خواهد داشت. تمامی نیروهای دمکرات و چپ، جریان‌هایی که دمکراسی و حقوق بشر را راج می‌نهند، در این مجموعه جای دارند. با بخشی از نیروهای طرفدار رژیم‌های سلطنتی و حکومت دینی که متعهد به حداقل‌هایی از دمکراسی و حقوق بشر هستند، در این موارد می‌توانیم همکاری داشته باشیم.

### اتحاد دمکراتیک

خواست‌های دمکراتیک از اساسی‌ترین خواست‌های مردم کشورمان می‌باشد. پس از گذشت ۲۸ سال از انقلاب بهمن ۵۷، انقلابی که برای تحقق خواست‌های دمکراتیک و عدالت اجتماعی و رفع شکاف‌های طبقاتی بوقوع

پیوست. جنبش دمکراسی خواهی کشورمان نه تنها نتوانست به اهداف خود دست یابد، حتا در مواردی مجبور به عقب نشینی هم شد. حقوق فردی، حقوق زنان و حقوق بشر شدیدتر از قبل نقض می گردد.

عدالت اجتماعی و خواست های دمکراتیک مهم ترین و اصلی ترین خواست و نیاز توده هاست. صحبت از دمکراسی بدون رویکرد عدالت خواهانه، به مسخ دمکراسی خواهد انجامید. اگر خود را مقید به انتخاب از بین بد و بدتر ننمائیم، استبداد مذهبی حاکم تفاوت چندانی با سلف سلطنتی اش و آلترناتیو نئولیبرالیستی امپریالیسم، در تزییع منافع طبقات زحمتکش ندارند. تنها تفاوت در یافتن امکانی برای فریاد زدن است.

ما معتقدیم چپ موظف به تلفیق مبارزات دمکراتیک و مبارزات طبقاتی است. کم بهاء دادن به هریک از آنها انحراف از سوسیالیسم علمی و در خدمت اردوی سرمایه است. بر همین اساس به اتحاد دمکراتیک حول دمکراسی، حقوق بشر و جمهوری خواهی با رویکردی عدالت خواه و در عین حال سکولار باور داریم. رفع ستم ملی و ستم جنسی و برقراری حکومتی دمکراتیک و مردمی از اهداف اصلی این اتحاد می باشد. گذشته از شیوه های مبارزاتی و تعلقات طبقاتی، التزام به آماج های فوق و اعتقاد به نفی جمهوری اسلامی و ترسیم خط حائل با رژیم های سلطنتی و مذهبی از ارکان اتحاد دمکراتیک خواهد بود. تلاش این جبهه صرفاً برای نفی استبداد نیست. دست یابی به جامعه ای دمکراتیک و حکومتی مردمی خواست محوری این اتحاد می باشد.

اتحاد استراتژیک با طرفداران مشروطه سلطنتی و مذهبی امری غیرمنطقی و تشتت زاست. همکاری و همراهی ما با این نیروها صرفاً به مسائل موردی محدود می شود. اساساً همکاری ساختاری با جریاناتی که نظام فکری شان غیردمکراتیک و ارتجاعی است، نیروهایی که سرکوب دمکراسی، نقض حقوق بشر و حکومت استبدادی را در کارنامه خود دارند، اشتباهی محض به شمار می رود. امید به استفاده از امکانات رسانه ای آنها خیالی باطل است. دوستانی که تمام حیثیت خود را در این قمار باختند، می توانند نمونه ای از دست آورد این سیاست شان را در استفاده از امکانات آنها شاهد بیاورند. آنها برای رسیدن به اهداف شان تنها می خواهند، نیروهای چپ و دمکرات را همچون وسیله ای مورد استفاده قرار دهند.

برای اینکه اتحاد دمکراتیک رویکردی عدالت خواهانه داشته باشد، لازم است حضور نیروهای مترقی و چپ در این اتحاد قوی تر شود. هر چه حضور چپ پررنگ تر شود، رویکرد عدالت خواهانه در این اتحاد عمیق تر خواهد شد. هر جریان سیاسی با مشخصات و رنگ و بوی خود در این جبهه حضور خواهد یافت. درست است که این اتحاد بر پایه اشتراکات شکل خواهد گرفت، پویائی آن در پذیرش و شفافیت دادن اختلافات است. از اینرو حضور چپ در این اتحاد نمی تواند مانع بیان نکته نظرات و ارائه برنامه های خود باشد. در این پیکار چپ را الزامی به تعطیلی مبارزه طبقاتی نیست. چپ تعمیق مبارزات دمکراتیک را در راستای گسترش مبارزات طبقاتی می خواهد و می داند، و ارتباط دیالکتیکی آن دو را باور دارد. لزوم حضور فعال چپ در این عرصه از همین موارد ناشی می گردد. اتحاد گسترده چپ تضمینی است برای داشتن نقش موثر در اتحاد دمکراتیک کشورمان.

چپ برای اینکه پیشکار و کارگذار و هوراکش دیگران نشود، لازم است صفوف خود را حول خواست های طبقاتی و ارزش های سوسیالیستی متمرکز سازد. مبارزات طبقاتی را با مبارزات دمکراتیک هماهنگ سازد. چپ نیابستی پرچم دمکراسی خواهی را به دست افراد مرده، طرفداران نئولیبرالیسم، نیروهای ارتجاعی، سلطنت طلب و اصلاح طلبان

مذهبی و حکومتی واگذار نماید.

اعاده حیثیت از سرکوب گران مدافع سلطنت و ولایت فقیه از وظایف چپ و نیروهای دمکرات نمی باشد. ما نمی توانیم اندک نیرو و اعتبار خود را صرف چنین کار بی سرانجامی نمائیم. این از وظایف تاریخی خود آنهاست. اتحاد نمی تواند صرفاً بر پایه اعتماد متقابل بنا گشته و پایدار بماند. همچنین بایستی توجه نمود که اتحاد صرفاً برای اتحاد نیست. بلکه ابزاری است برای پیشبرد و تحقق اهدافی دیگر. ساختار سازی برای اتحاد امری ضروری است ولی کافی نمی باشد. هر ساختاری هدف و پروژه ای را دنبال می کند و با وجود آنهاست که معنا می یابد. پس در هر اتحادی وجود ساختار و هدف به همراه هم لازم است. حفظ ساختار به هر قیمتی موجب بیهوده گی و انفعال کل ساختار خواهد شد. هر ساختاری بجز برنامه و اهداف، بایستی سیاست های روشنی را جهت رسیدن به آن اهداف ارائه نماید. مبارزه در راستای اهداف و پروژه تعریف شده، موجب پایداری ساختار و معیاری برای سنجش و کارآیی اعضای آن ساختار خواهد بود.

احزاب و سازمان ها پایه و ارکان هر اتحاد سیاسی را تشکیل می دهند. با روحیه ضد حزبی نه تنها شکل گیری اتحاد جبهه ای ممکن نیست. بلکه حرکتی واپس گرایانه خواهد بود. سیاست های هر حزبی متناسب با توان آن حزب در داخل اتحادها حس خواهد شد. لازمه اتحاد، کنار گذاشتن برنامه و کار حزبی نیست، و جبهه هم نمی تواند جایگزین حزب شود. هر حزبی طبیعتاً با برنامه و آماج های خود در اتحاد شرکت و با شهروندان سخن خواهد گفت. و سعی خواهد نمود نقش خود را در درون ساختار متحد پررنگ تر سازد.

اتحاد امری نظری است که بر بستر مبارزه تحقق خواهد یافت. و برای شکل گیری آن داشتن روحیه اتحاد لازم است. اتحاد امری سلبی و هم ایجابی است. و هیچ اتحادی نمی تواند از کنار شخصیت های منفرد سیاسی، فرهنگی و علمی به آسانی عبور کند.

تمامی نیروهای دمکرات، چپ، دمکرات، ملی، و جنبش های اجتماعی معتقد به دمکراسی، حقوق بشر، جمهوری سکولار، حذف ستم ملی و جنسی در زمره متحدین ما در اتحادی دمکراتیک به شمار می آیند.

## اتحاد چپ

در فرهنگ سیاسی به خصوص فرهنگ سیاسی ایران، چپ مسامحتاً به نیروهایی اطلاق می شود، که خواهان نفی استثمار انسان، معتقد به مبارزه طبقاتی و در پی برقراری نظام سوسیالیستی هستند. در این مبارزه چپ جانبدار و مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان و بر علیه اردوی سرمایه است. بطور کلی چپ صفتی سوسیالیستی است. در شرایطی که طرفداران نئولیبرالیسم سعی در کم رنگ کردن تفاوت های چپ با جریانات بورژوازی می کنند، بهتر است در استفاده از عبارت چپ بر صفت سوسیالیستی آن تأکید کنیم.

تنوع فکری چپ نه تنها بازدارنده نیست، بلکه موجب پویایی و شکوفایی آن خواهد بود. چپ با بهره گیری از بینش مارکسیستی در برخورد با پدیده های اجتماعی و تحلیل ماتریالیستی و دیالکتیکی در پی ایجاد تحولات بالنده اجتماعی است. در جریان این تحولات مداخله آگاهانه انسان را شرط لازم و البته نه کافی، برای گام برداشتن در راستای

تکامل اجتماعی می‌داند. به همین دلیل خواهان مداخله‌ی موثر نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی در مبارزات سیاسی - اجتماعی و تحولات جوامع انسانی می‌باشند. این چپ سوسیالیسم را نظامی اجتماعی و آلترناتیو بالقوه نظام سرمایه‌داری می‌داند، و برقراری آن را بعنوان نظامی ارزشی به فردائی موهوم محول نمی‌کنند. کسانی که صرفاً بر ارزشی بودن سوسیالیسم تأکید می‌ورزند و مبارزه در راه برقراری سوسیالیسم را در شرایط کنونی مردود می‌شمارند، در زمره چپ‌های مرددی قرار دارند، که در اردوی چپ متحدین ثابت قدم و قابل اتکائی به شمار نمی‌آیند. هرچند آنها متحدین با ارزشی برای چپ در مبارزات دموکراتیک هستند.

نیاز مبرم به دگرگونی‌های سیاسی و آبهستن حوادث بودن جامعه ایران، ضرورت وحدت گسترده چپ را اقتضاء می‌کند. این اتحاد در تقابل با اتحاد دموکراتیک نبوده، بلکه تلاشی در راستای دموکراتیزه و رادیکالیزه کردن جنبش دموکراسی خواهی است. نیروهایی که نخواهند و یا نتوانند در این راستا گام بردارند، خواسته و یا نخواستہ آب به آسیاب دشمن طبقاتی کارگران و زحمتکشان می‌ریزند. اگر امروز پس از گذشت ۲۸ سال، جمهوری اسلامی همچنان پابرجاست. بخشی از مسئولیت آن متوجه نیروهای سیاسی جامعه به خصوص چپ می‌باشد. چپی که ادعای دفاع از منافع طبقاتی کارگران را دارد، چپی که خود را مسلح به بینش مارکسیستی می‌داند، و بر میراث نظری لنین مباحثات می‌کند. چرا از درک این واقعیت ساده عاجز است؟ مسلماً عامل استبداد جمهوری اسلامی و ترفندهای امنیتی آن در ایجاد شبهه و اختلاف در بین اپوزیسیون، به خصوص اپوزیسیون چپ نقش مهمی داشته است. یونسی وزیر اطلاعات خاتمی در واپسین مصاحبه‌های خود صراحتاً به نقش جمهوری اسلامی در ممانعت از شکل‌گیری اپوزیسیون متحد اعتراف نمود. ولی سوالی که همچنان مطرح است این که چرا نیروهای اپوزیسیون و چپ برای برون رفت از این دامگه دشمن چاره‌ای نمی‌اندیشند و اقدامی نمی‌نمایند؟ مسلماً عوامل زیادی در این امر دخیل اند. ولی اختلافات شخصی و ترجیح منافع فردی و گروهی به منافع کل جنبش دموکراتیک و طبقاتی و استیلای فرهنگ استبدادی و فردمحوری از عوامل اصلی این تشتت به شمار می‌آیند.

فروپاشی شوروی و غلبه نئولیبرالیسم، چپ را دچار بحران ساخت. هرچند پس از دو دهه چپ جهانی از زیر این آوار بیرون آمده، با تجدید آرایش و با اتکاء به تجارب کسب شده نقش خود را ارتقاء می‌دهد. تجربه انقلاب بهمن ۵۷ به همراه دو عامل فوق چپ ایران را دچار بحرانی ساخته است که هنوز سنگینی آن را روی دوش خود احساس می‌کند. چپ در گستره جهانی دچار بحران ایدئولوژیک و هویتی شد. ولی توانست آن را پشت سر گذاشته و بالنده تر از قبل از این مرحله هم گذر کند. اما چپ ایران در پی سیاست‌های سرکوب و ترور و خفقان سیاسی نتوانست ارتباطی ارگانیک با طبقه کارگر برقرار سازد، و از پایگاه اجتماعی خود گسست. نابودی تشکیلات احزاب و سازمان‌های چپ، مهاجرت کادرها و رهبران شان به خارج و طولانی شدن زمان مهاجرت موجب از بین رفتن فضای گفتگو و گسست بین نسل‌ها و فعالان چپ گردید. و دمیده شدن خون تازه در رگ‌های چپ و تشکیلات چپ را مانع شد. بحران رهبری ناشی از گسست از پایگاه اجتماعی چپ موجب تضعیف نقش تفکر پرولتری در رهبری جریانات چپ، و رشد تفکر اقشار بینابینی به واسطه حضور وسیع شان در بین احزاب چپ گردید. این بحران رشد تفکرات انحرافی و رفرمیستی محض در قالب نظام سرمایه‌داری را در پی داشت. تفکرات سوسیال دموکراسی برآمد منطقی این گرایش بود. که گریبان اکثر جریانات چپ به خصوص سازمان ما را فرا گرفته است. ضعف تئوریک و عدم توان

تحلیل مسائل جهانی، منطقه ای و ملی، به کاربست سیاست های مقطعی و دنباله روانه ناشی از این گرایشات و برخوردهای غیر دموکراتیک تشکیلاتی، موجب ریزش نیروهای چپ و جدایی گسترده کادرهای تشکیلاتی از تشکیلات سابق شان گردید. از طرفی بخش دیگری از نیروهای باقی مانده با مجیزه گویی از نئولیبرالیسم، اکثر این تشکیلات چپ را از محتوا خالی کردند. این روند انحراف به راست گسترده در بین نیروهای چپ، احزاب و سازمان های معتقد به سوسیالیسم علمی را به عدم همکاری با نیروهای دمکرات و سوسیال دمکرات واداشته، و از ترس اینکه مبدا خصلت کمونیستی خود را از دست دهند دچار سکتاریسم نموده، رفتار غیر منطقی و انزواطلبانه را درون خود نهادینه کنند.

علیرغم بحران ها و ضربات وارده، فلسفه وجودی چپ هیچگاه زیر سوال نرفته و چپ را به بحران موجودیت دچار ساخته است. آنچه امروز ضعف چپ محسوب می شود، وچپ ایران را بشدت آزار می دهد، تشتت و تفرقه موجود در بین نیروهای چپ است. امروز مبرم ترین وظیفه چپ غلبه بر روحیه ی تفرقه و تشتت است. مطمئناً صف آراییی متحد چپ موجب گسترش تفکرات رادیکال و مارکسیست – لنینیستی در میان چپ ایران خواهد شد.

همانطوری که گفتیم، مهمترین وظیفه چپ اتحاد نیروهای متفرق و متشتت خود زیر پرچم سوسیالیسم است. چپ با نیرویی متحد خواهد توانست در مبارزات دموکراتیک کشورمان نقشی در خور ایفاء نماید. در صورت تحقق چنین امری مطمئناً وزن و اعتبار چپ در بین نیروهای اپوزیسیون و متحدین ما در جبهه دموکراتیک افزایش خواهد یافت و تمایل آنها را به همکاری و اتحاد با چپ را موجب خواهد شد. اتحاد چپ می تواند هسته اتحاد گسترده دموکراتیک در کشورمان باشد. اتحاد چپ موجب افزایش تحرک رقبای سیاسی چپ نیز خواهد شد. نیروهای چپ اگر بدون اتحاد گسترده گردان های چپ و انسجام تشکیلاتی خود وارد تعامل و همکاری با سایر نیروها برای ایجاد اتحاد دموکراتیک شوند. یقیناً نخواهند توانست حرکتی مستقل از خود ارائه دهند و برنامه خود را عرضه و صف مستقل چپ را شکل دهند. و چه بسا به کارگزاران و هوراکشان جریانات قوی تر از خود تبدیل شوند. چپ بایستی متحداً و با برنامه و آماج های خود در اتحاد دموکراتیک شرکت کند. اما بایستی توجه نمود که نه تحولات اجتماعی و نه توده های مردم تا ابد منتظر ما برای شکل دهی اتحاد چپ نخواهند ماند. این اتحاد را امروز باید سازمان دهی کرد. در روزهای بحرانی و در جریان تحولات تاریخی فرصتی برای شکل دهی چنین امری نخواهد بود. و مورد دیگر آنکه جریانات چپ به واسطه عدم شکل گیری اتحاد چپ نمی توانند وظایف دموکراتیک خود و به تبع آن حضور در جبهه ای با مشارکت نیروهای دمکرات را به بعد از اتحاد چپ حواله نمایند.

## برنامه و وظایف چپ

چپ برای حضور در هر اتحادی و در جریان مبارزات سیاسی خود اهدافی را دنبال می نماید، که از اهم آن می توان موارد زیر را برشمرد:

- دفاع پیگیر از دموکراسی مشارکتی و مردمی، و تلاش برای تعمیق آن به لایه های زیرین جامعه

- برقراری نظام سوسیالیستی بعنوان بدیل و آلترناتیو نظام سرمایه داری
- نفی استثمار انسان از انسان و دگرگونی مناسبات اجتماعی به نفع کارگران و زحمتکشان
- تلاش برای سازماندهی سیاسی و طبقاتی طبقه کارگر و رشد آگاهی های سیاسی و طبقاتی آن
- جانبداری از اردوی کار در مبارزات طبقاتی بر علیه اردوی سرمایه
- مبارزه برای اتحاد طبقاتی کارگران و زحمتکشان، و دفاع از انترناسیونالیسم پرولتری
- مبارزه علیه غارت گری های امپریالیسم و سیاست های نئولیبرالیستی آن
- دفاع از صلح و محیط زیست
- دفاع از حقوق اقلیت های ملی، مذهبی، زنان و کودکان

در این مبارزه کمونیست ها و سوسیالیست ها در اردوی چپ به همراه متحدین خود در جنبش های اجتماعی، منتقدین جهانی سازی سرمایه داری، اتحادیه های کارگری برای تحقق آماج هایش تلاش می ورزند.

### ساختار اتحاد چپ

در این بلبشو و تشتت و تفرقه چپ، بخشی از چپ های مردم و استحاله یافته که به سوسیال دمکراسی گرایش پیدا کرده اند، و مدافع "جهانی سازی" یا به قول خودشان "جهانی شدن" گشته اند. خواهان تشکیل حزب چپ با صفاتی چون دمکرات، مدرن، نوین، فراگیر، تأثیرگذار و... شده اند. گویی با اضافه کردن پسوند های فوق حزب مورد نظرشان مالک چنین خصوصیتی خواهد شد. آنها می خواهند نیروهای پراکنده چپ را که ۲۸ سال است هنوز نتوانسته اند، حتی حول کمترین خواست های خود به کوچک ترین تعامل و همکاری دست یازد، را حول خواست های اساسی و استراتژیک در حزبی واحد گرد هم آورند. علیرغم اینکه حزب مورد نظر آنها چیزی به غیر از احزاب سوسیال دمکرات اروپایی نیست. چرا این دوستان نمی خواهند حزب مورد نظر را صریحاً و با نام شناخته شده اش معرفی نمایند؟ آیا به غیر از این است که زیر نام جذاب و در عین حال کلی "چپ" و با پسوندهای دهان پرکن قصد کلاه برداری سیاسی دارند؟ آنها می خواهند با تمسک به این نام مجعول بخشی از نیروهای چپ و معتقدین به سوسیالیسم علمی را به سوی خود به کشانند. حزبی که با جعل و دزدی و کژراهه گی آغاز می کند، یقیناً عاقبت به خیر نخواهد شد.

ما اعتقادی به تشکیل حزب چپ با مشخصات و پسوند های فوق نداریم، و مطمئنیم چنین حزبی در صورت تشکیل به جمع کوچکی از طرفداران منفرد سوسیال دمکراسی و احزاب و سازمان های استحاله یافته در سوسیال دمکراسی محدود خواهد شد. این حزب جدید که صرفاً نامی به نام های موجود و عددی بر تعداد تشکیلات موجود چپ خواهد افزود، حتا در اندازه و قواره احزاب موجود هم برآمد نخواهد داشت. از طرفی ما تعدد و تشتت احزاب و سازمان های چپ را برآیند طبقات اجتماعی و اقشار بینابینی نمی دانیم. این تعدد حاصل تفکرات خورده بورژوازی و فرهنگ مبتنی بر فردگرایی و استبدادی، حاکم بر ماست. شکل های چپ که تعداد آنها شاید از یک صد هم فراتر رود، را می

توان در سه و یا حداکثر چهار حزب سیاسی طبقه بندی نمود. حزب سوسیال دمکرات شاید بتواند در انتها الیه راست طیف چپ جای گیرد. ولی در پروسه مبارزات طبقاتی زیاد نمی توان روی آن حزب حساب کرد. تا رسیدن به آن منزل تشکیل جبهه ای از احزاب، سازمانها و شخصیت های منفرد چپ را امری منطقی، ضروری و در دستور روز می دانیم.

سازمان ما بنابه سابقه تاریخی اش، توان لازم برای همکاری با اکثر قریب به اتفاق سازمان ها و احزاب چپ را داراست. از این رو ضروری است، هم گام با تلاش برای سازماندهی اتحادی دمکراتیک با مشارکت نیروهای دمکرات و جمهوری خواه نسبت به شکل گیری اتحاد چپ با مشارکت گسترده احزاب و سازمان های چپ به همراه شخصیت های منفرد سیاسی، فرهنگی و علمی چپ کشورمان مساعدت نمائیم.

## اتحاد حزبی

عالی ترین شکل اتحاد، اتحاد حزبی است. یکپارچگی طبقه کارگر شرط اساسی برای توانایی عملکرد حزب بشمار می آید. به همین دلیل نمی توان منکر ضرورت حزب یکپارچه و مقتدر طبقه کارگر بود. اساساً تشکیلات پیش شرط هر اقدام تحول طلبانه ای است. طبقه کارگر نیز برای حفظ استقلال خود از کلیه احزاب بورژوازی به حزب سیاسی خود نیازمند است. "بدون حزب سیاسی، پرولتاریا هرگز به مبارزه آگاهانه طبقاتی نخواهد رسید. بدون چنین تشکیلاتی طبقه کارگر محکوم به ناتوانی است." (و.ای. لنین- وظایف فوری ما)

طبقه کارگر برای سازماندهی قدرت طبقاتی خود و متحد کردن کلیه زحمتکشان و ستمکشان، نخست باید به سازمان یابی خود در یک حزب پیشرو و انقلابی بپردازد. حزب طبقه کارگر محصول پیکار طبقه کارگر و کانون مبارزه آگاهی طبقاتی پرولتاریاست. حزب کارگر حاصل اقدام آگاهانه پیشآهنگ آگاه است، و شکل مستقلی از آگاهی طبقاتی پرولتاریاست. چیرگی بر بحران عقیدتی و دستیابی به آگاهی طبقاتی راه حل چنین کاری است. طبقه کارگر برای مقابله با جهانی سازی سرمایه داری نیازمند حزب سیاسی و گسترش سازماندهی طبقه خود می باشد. متأسفانه علیرغم نیاز چپ ایران به حزب متحد و مقتدر طبقه کارگر، از این خواست فرسنگ ها دور هستیم. شکل گیری حزب طبقه کارگر، نیاز مبرم طبقه کارگر ایران و ابزار لازم برای پیشبرد و تعمیق مبارزات طبقاتی، وظیفه همین امروز طبقه کارگر و چپ وفادار به سوسیالیسم، کشورمان است.

## وحدت سازمان فدائیان خلق ایران- اکثریت و اتحاد فدائیان خلق ایران

وحدت سازمان فدائیان خلق ایران- اکثریت و اتحاد فدائیان خلق ایران در خدمت و در راستای وحدت چپ می باشد. ما نه تنها این وحدت را امری خجسته میدانیم، معتقدیم که این دو سازمان می توانند با وحدت خود و دعوت از سایر جریانات چپ برای پیوستن به این اتحاد موجب وحدت و یکپارچگی نیروهای چپ کشورمان گردند. اگر این دو سازمان با داشتن اشتراکات زیاد نتوانند با یکدیگر متحد شوند، اصولاً نمی توانند از وحدت گسترده چپ سخن به میان

آورند. به باور ما جدایی این دو سازمان اساساً نه بر مبنای دلایل منطقی، بلکه بنابه علل غیر قابل توجیه و غیر دمکراتیک بود. و هیچ دلیلی هم برای ادامه آن وجود ندارد. این دو سازمان فراتر از اتحاد در قالب چپ می توانند در چارچوب تشکیلاتی واحد گرد هم آیند. تفکر غالب در هر دو سازمان با تفاوت هایی به سوسیال دمکراسی نزدیک است. هرچند گرایش رادیکال در سازمان اتحاد فدائیان خلق پر رنگتر از سازمان ماست. اما این تفاوت ها بحدی نیست که موجب دوری آن دو گردد. ما این اتحاد را به فال نیک می گیریم و امیدواریم، اتحاد فوق موجب تشدید و تقویت تمایلات چپ سوسیالیستی در مولود این اتحاد گردد.

ما در راستای وحدت حزبی و اتحاد چپ ایران خواهان شکل گیری فراکسیون کمونیستی در داخل سازمان می باشیم. و همهی رفقای فدایی را فرا می خوانیم، ضمن تلاش برای حفظ وحدت تشکیلاتی و اعتلای سازمان، تمامی توان تشکیلاتی، سیاسی و ایدئولوژیک خود را برای ایجاد رنسانس مارکسیستی در سازمان فدائیان خلق ایران- اکثریت و کل جنبش فدائی و چپ ایران بکار گیرند.

### بیانیه وحدت

(سند پیشنهادی به کنگره دهم)

پس از گذشت یکصد سال از انقلاب مشروطیت، دمکراسی و عدالت اجتماعی، همچنان اصلی ترین خواست جنبش دمکراتیک مردم ایران است. ادامه استبداد پهلوی و قاجار، سه دهه زندگی تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی در زیر سانسور و اختناق، سرکوب و ترور، شکنجه و اعدام، با چهره ای مذهبی بود. در این ۲۸ سال تمامی دستاورد های دمکراتیک مردم ایران مورد تعرض حکومت مذهبی قرار گرفته است. کارگران، زنان و کودکان بزرگترین قربانیان استبداد دینی بشمار می آیند. هنوز آماج های انقلاب بهمن ۵۷ دست نیافتنی است. وتشتت و تفرقه در بین نیروهای سیاسی چنان مستولی و گسترده است، که جمهوری اسلامی آلترناتیوی برای خود نمی بیند. در شرایطی که امپریالیسم برای کنترل منابع نفتی و حتا حکومت ایران چنگ و دندان تیز می کند. برای نیروهای دمکرات و چپ دیگر فرصتی باقی نمانده است. اگر این احزاب نتوانند و یا نخواهند در اندک فرصت باقی مانده نسبت به انسجام و اتحاد نیروهای متفرق خود حول خواست های مشخص اقدام نمایند. کسان دیگری میوه چینان این غائله خواهند بود. و مطمئناً مجبور خواهیم شد از بین گزینه های جهان سرمایه دار و نئولیبرالیسم یکی را انتخاب کنیم. آلترناتیو آنها برای جمهوری اسلامی سلطنت طلبان و یا اصلاح طلبان دینی است.

سازمان فدائیان خلق ایران- اکثریت با آگاهی بر اینکه هیچیک از احزاب و سازمان های سیاسی ایران به تنهایی قادر به تحقق خواست های دمکراتیک و طبقاتی مردم ایران وزحمتکشان کشورمان نمی باشند. وبا درک وضعیت حاد کنونی و بحران آفرینی های جمهوری اسلامی و آلترناتیو سازی امپریالیسم، دست همکاری به سوی تمامی احزاب، سازمانها و شخصیت های سیاسی معتقد به دمکراسی، حقوق بشر، جمهوری سکولار و سوسیالیسم دراز می نماید. سازمان ما متناسب با خواست های متفاوت جریانات سیاسی و در ابعاد و عرصه های مختلف برای شکل گیری اتحادی پویا و موثر جهت تحقق اهداف و برنامه های مورد توافق تلاش خواهد نمود.

ما خواهان همکاری در اشکال و عرصه های مختلف هستیم، از جمله:

• همکاری با تمامی احزاب، سازمانها و شخصیت های سیاسی دمکرات برای مواردی همچون آزادی زندانیان سیاسی، رفع تبعیض جنسی، دفاع از صلح و ...

• همکاری جبهه ای در قالب اتحادی دمکراتیک با مشارکت احزاب، سازمانها و شخصیت های سیاسی برای تحقق خواست های دمکراتیک: دمکراسی، حقوق بشر، جمهوری سکولار، رفع ستم ملی، آزادی زندانیان سیاسی، رفع تبعیض جنسی، دفاع از صلح و ...

• همکاری جبهه ای در قالب اتحاد چپ برای تعمیق مبارزات طبقاتی و جانبداری از طبقه کارگر و زحمتکشان. انعکاس هرچه بیشتر تفکر مبتنی بر عدالت اجتماعی و خواست های طبقاتی در درون جنبش دمکراتیک

• سازمان ما از وحدت با سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در چارچوب تشکیلات واحد حزبی و یا اتحاد چپ – جبهه ای- بعنوان هسته ای برای شکل گیری چپ متحد حمایت می کند

کنگره شورای مرکزی را موظف می نماید، در هر یک از زمینه های فوق برای گسترش همکاری و شکل گیری اتحادی گسترده تمامی تلاش خود را بکار بندد.

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران- اکثریت (داخل کشور)

۲/۱۱/۱۳۸۵